

دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)؛ دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

**نسبیت معرفت دینی**

**(از دیدگاه دکتر سروش و آیت الله جوادی آملی)**

**استاد راهنما:**

علیرضا قایمی نیا

**استاد مشاور:**

محمد مهدی گرجیان

**نویسنده:**

هاجر بردبار

**تاریخ نگارش:**

## چکیده:

این پژوهش مشتمل بر چهار فصل است که فصل اول آن کلیات، به بحث‌های اساسی مثل تعریف معرفت دینی، قلمرو آن و مباحثی که به آن مربوط می‌شده مثل شکاکیت، هرمنوتیک، نشانه‌شناسی پرداخته شده است، در ادامه فصل دوم، ادعای دکتر سروش که همان نسبت معرفت دینی است پرداخته شده، ایشان قائل است که معرفت دینی یک معرفت بشری است و معارف بشری با یکدیگر ترابط عمومی دارند پس معرفت دینی هم به عنوان یک معرفت بشری با معارف برون دینی دارای ارتباط و تلائم است و لذا نسبی، متکامل و عصری است، ادله ایشان شامل استقرای فرد بالذات، پارادوکس تأیید، هندسه معرفت است. در فصل سوم دیدگاه مقابل دیدگاه سروش، دیدگاه آقای جوادی آملی است که ایشان بحث ثبات و تحول فهم شریعت را مطرح می‌کند که ایشان قائل است فهم بشر درباره اصل حق بودن دین لازم ثابت هم در معرض دگرگونی است، نمی‌شود گفت، خود دین ثابت و مطلق است ولی فهم بشر از دین در معرفی احتمال تحول و عصری بودن، چون همین گفته که «دین ثابت و مطلق است» نیز یکی از فهم‌های بشری است و احتمال زوال دارد و از نظر ایشان معرفت‌شناسی که مبتنی بر نسبت شناخت بی‌ریزی شود، لازمه انکار ضرورت‌های علمی نفی ضرورت‌های دینی و نفی قداست معارف دینی است. و اما در فصل آخر به نقد دیدگاه دکتر سروش پرداخته شده چرا که دیدگاه حق و صواب دیدگاه مطلق بودن معرفت دینی یعنی دیدگاه آقای جوادی آملی است. اما نقد نظریه دکتر سروش به این صورت است که دیدگاه ایشان آنتی رئالیسم است چون صرف تفکیک شیء و فهم آن کفایت نمی‌کند چرا که سروش راهی را برای وصول به شیء فی نفسه قائل نمی‌باشد و اشکالات دیگر مثل شکاکیت و نسبت‌گرایی، ناتوانی در حل تعارض علم و دین چرا که ایشان به نفع علم رأی داده و آن را بر دین تحمیل نموده و

ادله ایشان یکی یکی مورد نقد قرار می‌گیرد به اینکه در فرد بالذات، با چند مثال ساده نمی‌توان قضیه کلیه تحول عام را ثابت کرد و اینکه گرچه تأییدهای پارادوکسی صحیح هم باشند بکلی با مدعیات قبض و بسط بیگانه‌اند و در مورد هندسه معرفت ما می‌گوییم که شما از کجا می‌گویید که معلومات انسان با هم مرتبط می‌شوند و یک شکل هندسی پیدا می‌کنند بعد از این نقدها مشخص می‌شود که دیدگاه دکتر سروش یعنی نسبییت معرفت دینی اشتباه است و در واقع، معرفت دینی مطلق می‌باشد نه نسبی.

## واژگان کلیدی:

باوردینی، نسبییت، شناختشناسی، واقعگرایی (فلسفه)، دین